

گام‌های توسعه در آموزش پزشکی
مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی
دوره یازدهم، شماره اول، ص ۱۲۸-۱۲۵، ۱۳۹۳

نامه به سردبیر

بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای استادان علوم پزشکی بر مبنای دیدگاه سازنده‌گرایی

میمنت عابدینی بلترک^{۱*}، احمدرضا نصر اصفهانی^۲، محمدرضا نیلی^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. دکتری تخصصی برنامه ریزی درسی، استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. دکتری تخصصی برنامه ریزی درسی، استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

● پذیرش مقاله: ۹۲/۸/۴

● دریافت مقاله: ۹۲/۵/۱۲

انجام این وظیفه خطیر نیازمند مهارت‌هایی هستند که به بهترین شکل انجام گیرد. یکی از این راه‌ها، استفاده از نظریه سازنده‌گرایی در تدریس به عنوان رویکردی نوین در امر آموزش است. یکی از عناصر مهمی که در توفیق آموزش مؤثر نقش حیاتی را ایفا می‌کند و نقطه آغاز هر تحول آموزشی است، استادان شایسته می‌باشند؛ سنجش صلاحیت‌های حرفه‌ای آن‌ها نیز اهمیت می‌یابد.

در این راستا بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای استادان می‌تواند چنین شایستگی‌ها و صلاحیت‌هایی را نمایان سازد. پس با توجه به اهمیت نقش استادان در آموزش عالی و همچنین اهمیت و تأثیر رویکرد سازنده‌گرایی بر ابعاد گوناگون عملکرد آنان (از هدف گرفته تا روش تدریس و ارزشیابی)، سنجش صلاحیت‌های حرفه‌ای حایز اهمیت است (۱). بر اساس سازنده‌گرایی، مربیان در جستجوی تدوین و توسعه راهبردهای متنوع آموزشی مانند یادگیری مشارکتی، روش پروژه و...

در مطالعات مشخص شده است که دانشگاه به عنوان یکی از باارزش‌ترین منابعی است که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد؛ چرا که می‌توان از طریق آن سبب گسترش توانایی‌ها، خلاقیت و نوآوری، قابلیت انسان‌ها برای حل مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و بهره‌مندی از منابع و به‌طور کلی بهبود شرایط زندگی مادی و معنوی افراد جامعه شد. در بین عناصر تشکیل دهنده دانشگاه، استادان به عنوان عنصر کلیدی محسوب می‌گردند؛ زیرا اصلی‌ترین وظیفه‌ای که آن‌ها بر عهده دارند، تربیت نیروی انسانی متخصص موردنیاز بخش‌های مختلف می‌باشد.

استادان دانشگاه عنصر اصلی و مهم نظام آموزشی کشور به شمار می‌روند و توانمندی آن‌ها به سبب ارتباط با دانشجویان، بر عملکرد آموزش عالی تأثیر مستقیم دارد. کاربرد هر گونه روشی در تعلیم و تربیت دانشجویان از سوی استادان بر روی یادگیری و ابعاد مختلف آن تأثیرگذار خواهد بود، بنابراین برای

می‌باشند. بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای استادان با تأکید بر رویکرد سازنده‌گرایی بود. از سوی دیگر، آموزش در بخش پزشکی نیز به شیوه سنتی و مبتنی بر کلاس درس جوابگو نیست و شیوه‌های جدیدی می‌طلبد. یکی از این رویکردها که شیوه‌های جدید را در آموزش پزشکی به دنبال آورده است، آموزش با رویکرد سازنده‌گرایی می‌باشد.

تأکید بر یادگیری فعال در فضای دانشگاه‌ها، توجه به نقش دانشجویان، عدم تأکید بیش از حد بر نمره و... همگی از جمله مسائلی هستند که به تازگی بسیار مطرح شده‌اند و این موارد را می‌توان در نظریه سازنده‌گرایی یافت. تأثیر این نظریه به خصوص در روش تدریس نمایان می‌شود؛ بدین صورت که تدریس مبتنی بر سخنرانی کاهش می‌یابد و در مقابل تدریس بر اساس محورهای سازنده‌گرایی، روش تدریس فعال، مسأله محوری و... صورت می‌گیرد. همان گونه که مشخص است، واضح کاربرد روش تدریس در دانشگاه‌ها، استادان می‌باشند؛ بنابراین پژوهش حاضر نیز این قشر را مورد بررسی قرار داد که آیا سن، مرتبه علمی، جنسیت و سابقه خدمت آنان بر سازنده‌گرا بودن یا نبودن آن‌ها تأثیر دارد یا خیر؟

در مجموع آموزش به عنوان یکی از بخش‌های پزشکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وجود مجلات پژوهشی متعدد خارجی و در بعضی موارد داخلی، همایش‌های متعدد بین‌المللی با موضوع آموزش پزشکی و عنوان وزارت «بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» همگی حکایت از اهمیت چگونگی و نحوه ارائه یافته‌های پزشکی به دانشجویان علوم پزشکی دارد و این امر باعث شده است که بخشی از تحقیقات علوم پزشکی به آموزش، شیوه‌ها و رویکردهای آن اختصاص یابد. از طرف دیگر تحول در علوم شناختی و رفتاری، شیوه‌های انتقال و یا آموزش پزشکی را دگرگون ساخته است. آموزش پزشکی دیگر به شیوه سنتی و مبتنی بر کلاس درس جوابگو نیست و شیوه‌های جدیدی می‌طلبد. یکی از رویکردهایی که شیوه‌های جدیدی را در آموزش پزشکی به دنبال داشته است، آموزش با رویکرد سازنده‌گرایی در مقابل

آموزش سنتی می‌باشد. اهمیت به کارگیری این رویکرد و روش‌های آموزش وابسته به آن برای علوم پزشکی از بخش‌های دیگر نظام آموزشی است. دلیل این امر، موضوعات و فضای علوم پزشکی است که نیاز به چنین رویکردی (مبتنی بر موقعیت و کار با موارد اصیل و واقعی) را افزایش می‌دهد (۲). بنابراین در پژوهش حاضر، استادان علوم پزشکی انتخاب شدند. تحقیقات انجام شده داخلی در خصوص سازنده‌گرایی در علوم پزشکی آن هم در قشر استاد بسیار اندک می‌باشد. تحقیقی هم که در ارتباط مستقیم با پژوهش حاضر باشد، تنها یک مورد یافت گردید. در ارتباط با پژوهش‌های خارج از کشور نیز بررسی‌ها نشان داد که نظریه سازنده‌گرایی در آموزش پرستاری بسیار پرطرفدار می‌باشد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌گردد.

طبق گفته Hampton، سازنده‌گرایی به عنوان رویکرد جایگزین آموزش سنتی در آموزش پرستاری محسوب می‌شود. یافته‌های تحقیق وی نشان داد که دانش‌آموزان شرکت کننده در پروژه ۱۰ هفته‌ای به نتایج یادگیری اثربخش‌تری در مقایسه با رویکردهای سنتی دست یافتند (۳). Rolloff اظهار نمود که نیاز است آموزگاران بر اساس نظریه سازنده‌گرایی آموزش ببینند و بر این اساس چارچوب جدیدی برای دوره کارشناسی طراحی گردد (۴).

با توجه به مطالب فوق می‌توان کاربرد سازنده‌گرایی در آموزش پزشکی را به صورت زیر عنوان نمود:

۱. روش‌های تدریس دانشجو محور مثل یادگیری مشارکتی و یادگیری اکتشافی به خوبی با این رویکرد قابل تبیین است؛ به طوری که گاهی راهبردهای سازنده‌گرایی به دلیل تأکید بر دانشجویان به عنوان یادگیرندگان فعال، در کل آموزش دانشجو محور نامیده می‌شوند (۵).

۲. همان طوری که گفته شد، بر طبق رویکرد سازنده‌گرایی آموزش باید در محیط‌های طبیعی و اصیل اتفاق بیافتد. یکی از راهبردهایی که شرایط محیط واقعی را در آموزش پزشکی دارد، یادگیری مبتنی بر مسأله (Problem based learning)

بر اساس یافته‌های به دست آمده، میانگین رده سنی ۵۰-۴۱ سال بیش از سایر رده‌های سنی بود که این امر به علت تعداد بیشتر افراد مورد بررسی می‌باشد. بیشترین میانگین سازنده‌گرایی مربوط به رده سنی ۶۰-۵۱ سال و کمترین میزان سازنده‌گرایی مربوط به رده سنی ۴۰-۳۰ سال بود (جدول ۱).
بیشترین استادان پاسخگو ۲۲-۱۵ سال سابقه خدمت داشتند و کمترین تعداد استادان پاسخگو دارای سابقه خدمت ۲۳ سال به بالا بودند. بیشترین میانگین سازنده‌گرایی مربوط به سابقه خدمت ۲۳ سال به بالا و کمترین میانگین سازنده‌گرا بودن مربوط به سابقه کمتر از ۶ سال بود (جدول ۲).
بیشترین مرتبه علمی استادان، مربی و کمترین آن‌ها استاد بود که دانشکده‌های مورد بررسی مرتبه علمی «استاد» نداشتند. مقایسه میانگین‌های مربوط به مرتبه علمی نشان داد که مرتبه استادیاری نسبت به سایر مرتبه‌ها سازنده‌گراتر بود (جدول ۳).

جدول ۱. داده‌های به دست آمده از رده‌های سنی

	سن (سال)			جمع
	۳۰-۴۰	۴۱-۵۰	۵۱-۶۰	
فراوانی	۲۲	۲۴	۶	۵۲
درصد فراوانی	۴۲/۳۰	۴۶/۱۵	۱۱/۵۳	۱۰۰
میانگین	۱۳۲/۱۳	۱۳۵/۸۷	۱۳۷/۱۶	۱۳۴/۴۴

جدول ۲. داده‌های به دست آمده از سابقه خدمت

	سابقه خدمت (سال)				جمع
	کمتر از ۶	۷-۱۴	۱۵-۲۲	۲۳ به بالا	
فراوانی	۶	۱۱	۲۴	۲	۵۸
درصد فراوانی	۳۶/۲	۱۸/۹۶	۴۱/۳۷	۳/۴۴	۱۰۰
میانگین	۱۳۲/۶۶	۱۳۷/۱۸	۱۳۵/۶۲	۱۴۱/۵۰	۱۳۵/۰۵

یا PBL) می‌باشد. یادگیری مبتنی بر مسأله ریشه در نظریه‌های سازنده‌گرایی و یادگیری بزرگسالان دارد. امروزه PBL به طور وسیعی در سراسر جهان در آموزش علوم پزشکی مورد استفاده قرار می‌گیرد (۶).

۳. کارآموزی شناختی (Cognitive apprenticeship)
یا استاد- شاگردی: بر طبق نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی Vygotsky (به نقل از بیابانگرد)، دانش در بافت اجتماعی و به صورت تعاملی ساخته می‌شود (۷). این تعامل ممکن است تعامل فراگیر با فراگیر یا فراگیر با یاد دهنده باشد. در کارآموزی شناختی، دانشجویان از طریق حل مسایل واقعی در محیط‌های واقعی (مثل بالین) و در تعامل با افراد متخصص (مثل استاد بالینی) به یادگیری می‌پردازند. در این روش، یادگیری بیشتر در حیطه روانی- حرکتی (مهارتی) اتفاق می‌افتد (۸). به طور مثال دانشجویان کارورزی که زیر نظر و با هدایت دستیاران به یادگیری و فعالیت می‌پردازند، می‌توانند نمونه‌ای از کارآموزی شناختی به حساب آیند.

۴. نگارش توأم با بازاندیشی (Reflective journaling): راهبردی است که اغلب در آموزش بالینی برای کسب بینش در تفکر بالینی دانشجویان مورد استفاده قرار می‌گیرد (۹).

روش پژوهش حاضر توصیفی- پیمایشی بود و در آن از ابزار پرسش‌نامه بهره گرفته شد که شامل ۳۶ سؤال و ۵ حیطه (زمینه‌گرایی، دانشجو محوری، تفسیرگرایی و ارزشیابی تکوینی) بود. بر این اساس، جامعه پژوهش حاضر شامل اعضای هیأت علمی دانشکده‌های مدیریت و اطلاع‌رسانی، بهداشت و تغذیه و توان‌بخشی (انتخاب این سه دانشکده به دلیل همخوانی بیشتر رشته‌های این دانشکده‌ها با موضوع پژوهش حاضر می‌باشد) بود که در کل ۶۸ نفر بودند و به دلیل آن‌که جامعه مورد مطالعه اندک بود؛ بنابراین از سرشماری استفاده گردید. در نهایت ۶۰ پرسش‌نامه پاسخ داده شد و مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۳. داده های به دست آمده از مرتبه علمی

مرتبه علمی					
	مربی	استادیار	دانشیار	استاد	جمع
فراوانی	۳۷	۱۱	۵	۰	۵۳
درصد فراوانی	۳۶/۲۰	۱۸/۹۶	۴۱/۳۷	۰	۱۰۰
میانگین	۱۳۲/۵۱	۱۴۱/۷۲	۱۳۹/۶۰	۰	۱۳۵/۰۹

به طور کلی می توان اظهار نمود که بین سابقه خدمت و مرتبه علمی با سازنده گرا بودن رابطه نزدیکی وجود دارد. در واقع می توان گفت که با افزایش سن، استادان سازنده گراتر می شوند و این ممکن است به دلیل کسب تجربه بیشتر طی سالها باشد. با افزایش سابقه خدمت نیز استادان سازنده گراتر خواهند شد و این امر می تواند به دلیل کسب دانش و تجربه بیشتر باشد. نکته قابل توجه در این مطالعه آن است که دانشیار با این که از لحاظ مرتبه علمی نسبت به استادیار در سطح بالاتری قرار گرفته است، اما طبق نتایج به دست آمده، استادیارها سازنده گراتر از دانشیارها بودند. بررسی این علت می تواند عنوان پژوهش دیگری باشد که علاقه مندان بر روی آن متمرکز شوند.

در مطالعه حاضر ۲۹ مرد (۵۱/۷۵ درصد) و ۲۷ زن (۴۸/۲۱ درصد) شرکت کردند که بین جنس مرد و زن تفاوت چندانی در ارتباط با سازنده گرا بودن وجود نداشت (مردان با میانگین ۱۳۷/۵۸ و زنان با میانگین ۱۳۲/۴۸)، یعنی نمی توان اظهار نمود که مردان سازنده گراتر هستند یا زنان.

References:

- Mansoori S. (dissertation). Investigating of high school teachers professional competencies in mazandaran province based on constructivism. Babolsar: Mazandaran University of Medical Sciences; 2011 [In Persian].
- Abedini Baltork M, Asadnia M. Constructive approach to teaching-oriented application development for medical education. Proceedings of the National Conference on Medical Education; 2012; Kordestan, Sanandaj. 2012 [In Persian]
- Hampton MD. Constructivism applied to psychiatric-mental health nursing: An alternative to supplement traditional clinical education. Int J Ment Health Nurs 2012; 21(1): 60-8.
- Rolloff M. A Constructivist Model for Teaching Evidence-Based Practice. Nursing Education Perspectives 2010; 31(5): 290-3.
- Salvin RE. Educational psychology: theory and practice. 8th ed. Boston: Allyn & Bacon; 2006.
- Polyzois I, Claffey N, Mattheos N. Problem-based learning in academic health education. A systematic literature review. Europ J Dent Educ 2010; 14(1):55-64.
- Biabangard E. Educational Psychology: Psychology of learning and instruction. Tehran: Virayesh; 2007. [In Persian]
- Woolley NN, Jarvis Y. Situated cognition and cognitive apprenticeship: A model for teaching and learning clinical skills in a technologically rich and authentic learning environment. Nurse Educ Today 2007; 27(1):73-9.
- Lasater K, Nielsen A. Reflective Journaling for Clinical Judgment Development and Evaluation. J Nurs Educ 2009; 48(1):40-4.